

اسماعیل شفیعی سروسنایی: حفظ مرابطه با امام عصر(عج) تا پایان روزگار است / وضعیت شیعیان آل الله تا زمان ظهور قرمز است

مدیر مسئول موسسه فرهنگی موعود عصر(عج): مسئله مرابطه با امام عصر(عج) امری مقطعی و فصلی نیست، اگر فردی می خواهد در خیمه امام عصر(عج) باشد، باید آمادگی خود را در تمام عمر تا پایان روزگار حفظ کند.

به گزارش روابط عمومی موسسه فرهنگی هنری موعود عصر(عج): اسماعیل شفیعی سروسنایی مدیر مسئول موسسه فرهنگی هنری موعود عصر(عج) با اشاره به ورود به ماه صفر یادآور شد: یکی از دلایلی که به هیچ وجه نمی خواستند با حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام مصالحه کنند آن بود که قصد داشتند مسائل مرتبط با آئین محمدی و شریعت اسلام را در سرزمین کربلا جمع و تمام کنند. بنی امیه بر آن بود که واقعه را در کربلا تمام کند و اجازه ندهد که قیام حضرتش از ظرف زمانی و مکانی کربلا خارج شود و به تاریخ و آینده پیوند نخورد و از کربلا به جای دیگر نفوذ نکند. اما ثمره قیام حضرت سیدالشهدا این ماجرا خنثی کرد.

حرکت کاروان اسرا در به منزله خروج حماسه عاشورا از جغرافیای فیزیکی کربلا است

دقت کنید کاروان اسیران از بازار کوفه به شام بردند، چرا شام؟ در ظاهر مرکز خلافت یزید و امویان شام بود، شام منطقه ای نزدیک به دریای مدیترانه مرز خاکی و فرهنگی میان شرق و غرب عالم است و بنیاد ظالمانه و جابرانه که معاویه ی ملعون برپا کرده بود که درست در نقطه ای بود که شرق و غرب را از هم جدا می کند، از جمله جهان اسلام که یک مرز آن تا چین است و از آن طرف از دریای مدیترانه تا غرب، تمام هدف این بود که می خواستند این پیروزی را به رخ همگان بکشند.

یکی از وجوه مهم و حرکت راهبردی اسیران این امر بود که قیام حضرت سیدالشهدا را از ظرف زمانی و مکانی خود خارج می کند، اگر حرکت اسرا رخ نمی داد نقطه عطفی برای پایان ماجرا بود. حرکت کاروان اسرا در به منزله خروج حماسه عاشورا از کربلا است و انتقال آن به مرز مدیترانه است. کاروان اسراء سینه به سینه ملعونان یهودی ایستادند، و شأن و منزلت جایگاه اهل بیت پیغمبر در آئین اسلام را یادآور شدند، آن هم درست در جایی که یهود دست در دست بنی امیه آمده بودند که کار اسلام را تمام کنند.

در تقابلی که بین حضرت زینب و حضرت امام سجاد علیه السلام با یزید رخ می دهد، امام سجاد علیه السلام یک حرکت حقیقی را اجرا داد، حرکتی که اکنون نمادین فهمیده می شود، مودن بر مأذنه ایستاد و گفت اشهد ان محمد رسول الله، کاروان اسراء در ظاهر در عین شکستگی و مظلومیت با بیان نام نامی رسول الله بر مأذنه ی مسجد عزت یافت، نمی توانستند اذان بگویند و شهادتین نگویند، نمی توانستند اذان بگویند و نام رسول الله را نبرند، با تمسک به همین اذان به ریشه ی خودشان و جایگاه و منزلت اش نمایان کردند، بنی اسرائیل با ایستادن

بر لب دریای مدیترانه خواستار اعلام تفوق بر اولاد بنی اسماعیل بود که پس از اذان گفتن همه آن پیروزی ظاهری از بین رفت و عاقبت کاروان اسرا بود که فقط طی سه روز در شام ورق را برگرداند، و اولین مجلس عزاداری بر حضرت اباعبدالله در کاخ یزید برگزار شد.

مرابطه مومنانه منتظران

در بخش اصلی سخنان مدیر موسسه فرهنگی موعود عصر(عج) متمرکز بر مراتب مومنانه منتظران امام عصر(عج) بود:

همواره مومنان چه در صورت فردی و چه جمعی در معرض چهار گروه از خصم هستند، و به عبارتی گریزی از این موضوع نیست، وعده به هیچ کس داده نشده است که در دنیایی امن و برخوردار زیست می کنید، آنچه خداوند جعل نکرده است دنبالش نروید، خداوند در این دنیا وعده ای به امنیت تمام و آرامش نداده است. یک نکته ی لطیف دارد که در میانه امتحان و ابتلاء است که خلق روزگار است ارتقاء پیدا می کنند، ظاهر بلاست و باطن آن لطف است، آدمی قرار است با گذار از سطح زمین ارتقا پیدا کند، چنانچه حضرت آدم ابوالبشر نیز به زمین هبوط کرد، و این ابتلاء بحرانی بود که از مسیر سیر در زمین امکان ارتقا را فراهم نمود، دو امکان در زمین برای فرزندان آدم است. این دو امکان چیست؟

ابتلاء نردبان ارتقا است

ابتلاء نردبان ارتقا است. خداوند برای آنکه بندگان را ارتقا ببخشد به کمال برساند آدمی را از مسیر بلا عبور می دهد، در ظاهر هبوط بلا است و در باطن نردبان ارتقا است. دومین نکته بشر در زمین در اثر رفت و آمد و حادثه علم دست حاصل می شود، و علم موجبات ارتقا را فراهم می کند، همه انسان ها همانند پدرشان آدم هبوط پیدا می کنند و به وسیله ابتلاء در معرض آزمون قرار می گیرد، بر نردبان ابتلاء می رود و با مدد علم کمال می رسند، لذا مومن در معرض چهارگونه خصم او را مبتلاء می سازند.

هر مومنی حسودی میان دیگر مومنان قرار دارد، یک شیطان، یکی کافر، یکی منافق و دیگری مومن. امام صادق علیه السلام فرمودند که هرکدام از شما در گیر و دار چهار دشمن اید و در جای دیگر به پسر نعمان می فرماید که همواره شیطان کسانی را در میان مردم نفوذ می دهد یک افرادی که از دین آنها نیستند(داخل این دین نیستند)، و ایشان در بین مردم پرآوازه می شوند و شیطان به ایشان مدد می دهد و بگردید بسیاری از افرادی که در جامعه قد کشیده اند و بلندگو به دست آورده اند و امکانات تبلیغی رسیده اند به مدد شیطان ارتقا پیدا کرده اند، شیطان آنها را مدد می دهد و در کلام آنها نفوذ می دهد، و جمعیتی به دورش حلقه بزنند. اما نشان می دهد

که از این امت اند. به نام دین سخن می گویند از منظر دین سخن می گویند در ظاهر مذهب استوار می شوند و در ظاهر مذهب چنان می کوبند که مومنان به گرد پای ایشان هم نمی رسند.

زمانی که رشد پیدا کردند، نفوذ پیدا کردند، نفاق ایجاد می کنند و انحرافی ایجاد می کنند و امام می فرمایند این واقعه مدام تکرار می شود و تا زمان ظهور ولی الله اعظم این واقعه همواره تکرار پیدا می کند. مومنان چه باید بکنند؟ مومنان باید علم پیدا کنند، مومنان باید آگاه باشند که کسی لباس خودی پوشیده، و گاهی تند تر و تیزتر از مومنان در صف اول قرار گرفته است، در شریعت از همه پیشی می جوید و در ظاهر اهل عبادت و دین، اما بعد از مدتی چنان ضربه ای بر کیان دینداری می زند که هیچ کافری نمی تواند بزند.

تکلیف مومنان در عصر غیبت از زبان حضرات معصومین چیست؟

همواره این پرسش در بین مومنان مطرح بوده است که تکلیف مومنان در عصر غیبت چیست؟ کتب بسیاری در این خصوص به نگارش در آمده است، اینکه صرفاً نام فرزندان خود را زینب و مهدی بگذارند کافی است؟ آیا همین که مجلس بیاریند کافی است؟ نشست بگذارند کافی است؟ صدقه بدهند کافی است؟ زهد بورزند؟ صدقه بدهند؟ اهل ورع باشند؟ قربانی کنند؟ سؤال آیا تکلیف مومنان و زیست مومنان در زمان غیبت همین است؟ اما تکلیف مومنان از زبان حضرات معصومین چیست؟

خاستگاه سخن آیه ۲۰۰ سوره مبارکه آل عمران است، ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾ (آل عمران: ۲۰۰) (ای کسانی که ایمان آورده اید صبر کنید و یکدیگر را به صبر وادارید و مرابطه نمائید و خدا ترسی را پیشه سازید باشد که رستگار شوید). مراقبت کنید و مهیا باشید، و خداترس باشید و مرابطه داشته باشید. معنی که حضرات معصومین از این آیه داشته اند چیست؟ نقطه مرکزی گفتگوی من روی کلمه مرابطه است، معنی لغوی «رابطو» چیست؟

مومنان چه در زمان غیبت چه در زمان حضور امام باید همواره در مرابطه باشند

رابط و مرابطه به معنی مرزداری، ساخلو و قرارگاه است، خواجهی کرمانی درباره محلی در مراکش به نام رباط حرف می زند که الان پایتخت مراکش است، یکی از دلایلی که پایتخت مراکش رباط است، چون در محل رباط چنین ساخلوی مستحکمی در آن وجود داشته است و نگهبانان در آن مستقر بوده اند. در لب مرز، سربازان در قرارگاه مستقر شده اند و مرز را محافظت می کنند. سربازی که در قرارگاه مستقر است در حال مرابطه است. در اصطلاح فقها نیز این معنی آمده است مرابطه به معنای مرزبانی از مرزهای کشورهای اسلامی است. مرابطه عمل

مستحبی است حتی در زمان غیبت است. مومنان باید چه در زمان حضور امام چه در زمان غیبت در حال مرابطه باشند.

زندگی انسانی تنها محاط به جغرافیای فیزیکی نیست

زمانی که صحبت از مرز فیزیکی می شود مرز کردستان، سیستان و بلوچستان به ذهن متبادر می شود، اما مرزبانی فقط محاط به مرزبانی مرزهای فیزیکی نیست. ما در یک جغرافیای تو در تو زندگی می کنیم، نه صرفاً یک جغرافیای خاکی. ما در این فضا و این سرا در این مملکت جغرافیای خاکی، نیروی هوایی از مرزهای هوایی، نیروی دریایی از مرزهای دریایی، نیروی زمینی نیز قرارگاه زمینی دارد، اما جغرافیای سیاسی چه؟ جغرافیای امنیتی؟ جغرافیای فرهنگی چطور؟ جغرافیای اعتقادی مرزبانی می خواهد؟ آیا آنها مرزبانی نمی خواهند؟

برای شیعیان آل الله وضعیت تا زمان ظهور وضعیت قرمز است

هر معبری که دشمن بتواند از مسیر نفوذ در آن بتواند مردمی را در معرض خطر قرار بدهد، یک قرارگاه می خواهد، هر کجا که احتمال نفوذ دشمن امکان پذیر ایست قرارگاه می خواهد، سرباز می خواهد. معبر فرهنگی، معبر اقتصادی، شما سرباز را نمی توانید مجهز بکنید تا از امنیت فرهنگی مراقبت بکند. سربازان را نمی توانید مجهز کنید تا از معبر اقتصادی و سیاسی با تجهیزات نظامی محافظت کنند، آن محدوده محافظ خاص خود را می خواهد. از جغرافیای اعتقادی چه کسی محافظت کند که اکنون به طور جدی مورد حمله است؟

روزی و روزگاری در نبرد صفین امت مسلمان دربار معاویه به پای میز کنفرانس رفت، گفتند سربازان به کنار بروند و ما می خواهیم پشت میز تصمیم بگیریم، از آن سو عمر و عاص ملعون آمد و از این سو امیر المومنین امر کردند که مالک اشتر برود، لشکریان گفتند چرا مالک؟ ابوموسی اشعری برود، ابوموسی به کنفرانس رفت و نتیجه پیروزی سیاسی معاویه به دست عمر و عاص شد. شکست سیاسی منجر به شکست نظامی شد. اما به جای آنکه مالک اشتر در میان باشد کت و شلوار و عطر و ادکلن و میزهای کنفرانس، آنجا قرارگاه است، مردان صاحب عقل سیاسی را باید بفرستید؟ آن مرد سیاسی برای امر اقتصادی شکست می خورد.

ما در لایه به لایه جغرافیای اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، و نظامی زندگی می کنند، در همه آنها دشمن می خواهد نفوذ کنند، همه ی این ها قرارگاه خاص خود را طلب می کند. ضرورتاً همه اینها به یک قرارگاه سیاسی نیاز دارد، همه اینها به مردان نیازی دارد که قادر به جنگ در جمیع ابعاد هستند. برای شیعیان آل الله وضعیت تا ظهور امام زمان قرمز است. تا زمانی که شیطان باقی است احساس امنیت نمی توان کرد، تا زمانی که یهود برقرار است، احساس امنیت نمی توان کرد، مگر اینکه امام ظهور کند، دست و پای شیطان و جنودش را ببندد. یهود را کنترل کنند. مادامی که ظهور رخ نداده است وضعیت شیعیان قرمز است.

عُلَمَاءُ شِيعَتِنَا مُرَابِطُونَ

«قَالَ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : عُلَمَاءُ شِيعَتِنَا مُرَابِطُونَ فِي الثَّغْرِ - الَّذِي يَلِي إِبْلِيسَ وَ عَفَارِيَتَهُ يَمْنَعُوهُمْ عَنِ الْخُرُوجِ عَلَى ضَعْفَاءِ شِيعَتِنَا وَ عَنِ أَنْ يَتَسَلَّطَ عَلَيْهِمْ إِبْلِيسُ وَ شِيعَتُهُ وَ النَّوَاصِبُ إِلَّا فَمَنْ انْتَصَبَ لِذَلِكَ مِنْ شِيعَتِنَا كَانَ أَفْضَلَ مِمَّنْ جَاهَدَ الرُّومَ وَ التُّرْكَ وَ الْخَزَرَ أَلْفَ مَرَّةٍ لِأَنَّهُ يَدْفَعُ عَنِ أَدْيَانِ مُجِبِّينَا وَ ذَلِكَ يَدْفَعُ عَنِ أَدْبَانِهِمْ.»

عالمان شیعه ما در مرابطه اند، در لب مرزی که یک مرز آن شیطان و عفريت های آن قرار گرفتند و یک طرف مومنان قرار گرفته اند که شیاطین و عمله هایش قصد دارند ضعفای شیعه را از بین ببرند. جغرافیای شیعه مرز دارد و مرزبانان آن علمایی هستند که در برابر ابلیس می ایستند یعنی علما ضرورتا باید حيله های شیطان را بدانند. یعنی باید عمله های ابلیس را بشناسد، عالمی که **یهود** را شناسد علم او به پیشیزی نمی ارزد، در یک طرف ابلیس قرار دارد. عالمی که شیطان و جنود شیطان را نمی شناسد علم او به پیشیزی نمی ارزد. در یک طرف ابلیس و جنودش قرار گرفته اند که می خواهند شیعیان را ببلعند. چگونه عالمان می خواهند از مومنان محافظت کنند و عمل شیطان را نمی شناسند؟

سرزمین هایی هستند که از مرزهای فیزیکی شان صد درصد محافظت شده است، اما جغرافیای فرهنگی، سیاسی و اعتقادی شان را شخم زده شده است، اقوامی نیز بوده اند که جغرافیای فرهنگی اعتقادی شان پابرجا مانده است و ولی جغرافیای فیزیکی شان شخم زده شده است، اما با استواری جغرافیای فرهنگی استوار خود امکان بازسازی مرز فیزیکی و سرزمین را خواهند داشت. پس جغرافیای فرهنگی مقدم است بر جغرافیای فیزیکی.

پایداری جغرافیای فرهنگی ضامن بقای جغرافیای خاکی

اقوامی که در میدان فرهنگ و اعتقاد سرکوب شده باشند، هیچ تانک و هواپیمای و موشکی ایشان را نجات نمی دهد. سرزمینی که با خاک یکسان شده باشد، اما جغرافیای فرهنگی و اعتقادی اش در امان بمانند امکان بازسازی خواهند یافت. زمانی که مغول حمله کرد و تا مصر و بغداد رفت. ایران فرهنگی را زیر رو کرد، مسجد ها را ویران کردند و در شهر نیشابور مساجد را گرفتند و بدل به اسطبل کردند، و در شهرها از سر مردم ضعیف گلدسته و مناره ساختند، اما همین مغول ها در اثر همت مردان دیوانی این سرزمین نه تنها رام شدند، بلکه خودشان به خدمت این فرهنگ غنی آمدند و مساجد ویران شده را بازسازی کرد، زمانی که ایران در اثر عدم آگاهی و توانایی خوارزمشاهیان در نور دیده شد و شخم زده شد، به دلیل اینکه پتانسیل جغرافیای فرهنگی در امان مانده بود و بسیار توانمند بود، مجال بازسازی ایران فرهنگی مجددا به وجود آمد. آیا در واقعه عاشورا کسانی که به امام تیغ کشیدند نماز نمی خواندند، روزه نمی گرفتند؟ آیا با کشته شدن به امام ضربه ای به اجرای احکام لشکر ابن سعد

خورد؟ آنها در انجام فرایض استوار بودند. قرآن بی علی ثمرش ابن ملجم است... قرآن بی امام ثمره اش شهادت مظلومانه حجت خدا است.

آیا امارات جغرافیای فرهنگی دارد؟

جغرافیای اعتقادی امارات کاملاً زیر رو شده است، در امارات امروز جغرافیای فرهنگی وجود ندارد، بلکه مردمان این سرزمین برخوردارند، ولی جغرافیای فرهنگی و اعتقادی زیر رو شده است، مشخص است که قرارگاه دریایی در این سرزمین وجود داشته اما قرارگاه فرهنگی و اعتقادی وجود نداشته است، اساساً گفتگو از جغرافیای فرهنگی امارات بی معنی است، هر چه هست برج و بارویی است که ریشه ای در تاریخ آن خاک ندارد.

آماده امام منتظر باشید، آمادگی ضرورت حیات مومنانه است

اقوامی که از تاریخ عبرت نگیرند، خودشان عبرت تاریخ می شوند، یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ... لباس روحانیت نمی تواند از بنیاد فرهنگی و جغرافیای اعتقادی شیعه دفاع بکند، آن بنیاد علمی یک روحانی است که می تواند از آن دفاع بکند. امام صادق علیه السلام فرمودند: علمای ما مرزبانان ما هستند، می توان از این عبارات فهمید کدام یک از گروه مرزبانان در حال مرابطه هستند یا نیستند. سربازان در حال مرزبانی هستند یا نه. تشکیلات بهداشت و کشاورزی و مذهبی در حال مرابطه هست یا نیست؟ جوانانی که امروز در معرض انواع گوناگون شبهات هستند پاسخ خود را از کدام نهاد بگیرند؟ آیا تشکیلات مذهبی در مرابطه و مرزبانی با امام عصر عجل الله تعالی فرجه شریف هست تا بتواند پاسخ گوی شبهات جوانان باشد؟

در مرزها اقامت بگزینید، ارتشیان پاسداران، مردان سیاسی، مردان اقتصادی و بهداشتی سلاح خود را برای میدانی که در معرض آن دارید آماده بکنید، دشمن را رصد بکنید و مستعد باشید برای مقابله با دشمن. برای مثال اگر یک وپروس به هر طریقی وارد این سرزمین شد و بدل همه گیری شد، به این معنی است که وزارت بهداشت و تمام جنودش در حال مرابطه نبودند، اگر مردم ایران هم اکنون از معضل کم تحرکی رنج می برند و از انواع بیماری های غیر واگیر دار رنج می برند یعنی وزارت ورزش و جوانان در حال مرابطه نبوده است. در نتیجه دشمنان این خاک کار خود را کرده اند.

حفظ آمادگی شرط حیات مومنانه است

اگر کرور کرور جوانان این سرزمین، در اعتقاد، در فرهنگ در ادبیات، سلامت جسمانی، و هنر آسیب پذیر می بینید، بدانید که متولیان فرهنگ، سازمان تبلیغات اسلامی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، وزارت بهداشت و وزارت ورزش و جوانان در حال مرابطه و مرزبانی نبودند، یعنی لب مرز اعتقادی، سلامتی، بهداشتی و ورزشی

مستقر نبودند، یعنی به همه کاری مشغول بودند الا وظیفه اصلی خودشان، یعنی دشمن را رصد نمی کردند، یعنی وضعیت ذهنی جوانان ایران را بررسی و مطالعه نمی کردند، حالا که این جوان مجروح شده است، باید خود را تنبیه کنی نه جوان را! وقتی که بیماری در اثر ویروسی وارد بیمارستان می شود به کدام یک باید حمله کرد؟ به بیمار یا ویروس؟ پس آمادگی در کلام امام معصوم شرط حیات مومنانه است.

لَا يَسْتَأْذِنُكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ أَنْ يُجَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ وَاللَّهُ عَلَيْهِمُ بِالْمُتَّقِينَ

وقتی زمینه جهاد در رکاب رسول خدا فراهم شده، عده ای از منافقان به حضور رسول خدا پرسیدند و از رسول خدا تقاضای معافی کردند، عده ای آمدند گفتند اجازه جهاد به ما می دهید؟ ترجمه آیه بسیار آموزنده است «مسلمانانی که به حقیقت به خدا و روز قیامت ایمان دارند از تو رخصت ترک جهاد نخواهند تا به مال و جان خود در راه خدا جهاد کنند، و خدا به احوال متقیان آگاه است.» افرادی که طلب رخصت می کنند، قصد انجام کاری ندارند، هدف آنان اراده ای برای جهاد ندارند، اگر هم بیایند بین مومنین نفاق ایجاد می کنند. آیه بعدی توضیح را تکمیل می کند، «وَلَوْ أَرَادُوا الْخُرُوجَ لَأَعَدُّوا لَهُ عُدَّةً وَلَكِنْ كَرِهَ اللَّهُ انْبِعَاتَهُمْ فَثَبَّطَهُمْ وَقِيلَ أَفَعَدُّوا مَعَ الْقَاعِدِينَ (۴۶ توبه)» و اگر آنان قصد سفر جهاد داشتند درست مهیای آن می شدند لیکن خدا هم از برانگیختن آنها کراهت داشت پس آنها را باز داشت و حکم شد (که ای منافقان نالایق) شما هم با معذوران (کور عاجز در خانه خود) بنشینید.

تکلیف مسئولین ما مرابطه است، تکلیف مسئولین وزیر آموزش و پرورش صیانت از چهارده میلیون دانش آموز است، وظیفه وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی مرابطه و مرزبانی از جغرافیای فرهنگی است، تکلیف وزیر ورزش و جوانان رفع کم تحرکی ملی بین هشتاد و پنج میلیون ایرانی است، کسی که در مرابطه نیست، کسی که آماده خدمت به امام عصر و زمان نیست، یعنی امام زمان خود را نشناخته است، رسول خدا فرمود یک شب مرزبانی بهتر است از دو سال روزه داری. یعنی مرزبانی بالاترین عبادت است، حفظ آمادگی عین عبادت است.

از امام معصوم می پرسند حداقل زمان برای مرابطه چقدر است می فرمایند سه روز در آن سه روز به چه حالت باشد، یعنی دشمن را رصد بکند، سلاح به دست داشته باشد، و آماده جهاد باشد. یک شب نگهبانی در راه خدا برابری می کند با هزاران شبانه روز عبادت که روزها روزه دار باشد، و شب ها به عبادت مشغول باشد.

نزد ما اهل بیت مرابطه تا آخر روزگار است

اما نزد ما حالت مرابطه تا آخر روزگار است، اگر کسی مرکبی را برای یاری ما نگاه دارد تا زمانی که این مرکب نزد او است به اندازه وزن مرکب و دوبرابر وزن مرکب به او ثواب می دهد، اگر شمشیری برای یاری ما آماده کنند، تا

چهار برابر به او هبه می دهند، اگر به طول انجامید و به تاخیر افتاد این مسئله نباید موجب خستگی بشود بلکه باید وضع رابطه را نگه دارید حتی الدهر.

آماده کنید، هر فرد برای قیام حضرت حتی به اندازه یک سلاح، هر یک از شما باید برای خروج حضرت یک تیر آماده کند، هر کس که این سلاح را که نگه داری می کند برای یاری آن حضرت است، خداوند عمرش را آنقدر طولانی میکند تا ظهور حضرت را درک کند. من ارتباط دابه متوقا به امرنا و یغیض به عدونا، و هو منصوبا علینا قدرالله رزقه و شرح صدر و کان عون علی حواجه، کسی که در رابطه باشد و رابطه ی او دشمن را به هراس بیاندازد، خداوند رزقش را تضمین می کند و به آرزهایش می رساند.

اجازه می خواهم عرض کنم که ضرورتا اتفاق می افتد، نه اینکه ممکن است، کسی که در هر قرارگاهی در خدمت امام زمان خود باشد، در حالیکه دشمن را به غیض انداخته است، ضرورتا رزق او تضمین است، کلام حضرت ابابراهیم موسی ابن جعفر علیه السلام، حضرت معصوم ظرف اراده خداوند متعال است، ظرف اراده خداوند حسین ابن علی است، اجازه می خواهم عرض کنم ظرف اراده خداوند متعالی حضرت زینب کبری سلام الله علیها، آن زمانی که حضرت زینب بی تابی می کرد ندا آمد خواهرم مبادا که خواهرم ایشان را نفرین کنی.

پس وقتی که حضرت ابا ابراهیم موسی ابن جعفر علیه السلام که ظرف اراده خداوند متعال است اگر تو در رابطه با امام عصر عجل الله تعالی فرجه شریف باشی، ضرورتا رزق تو تضمین است، ضرورتا شرح صدر می یابی، ضرورتا به آرزوهایت می رسی و حوائج ات برطرف می شود. حالا عده ای می گویند ما اگر بیائیم برای امام زمان خدمت بکنیم از کجا بخوریم؟ اگر کار بکنیم چقدر به ما می دهید؟ این فرد اصلا اراده ای برای آمدن ندارد، این فرد اصلا اذن خدمت به امام ندارد.

حفظ آمادگی و رابطه عین جهاد است

علامه مجلسی فرمودند: بر شیعیان واجب است که خود را بر اطاعت بر حق ملتزم سازند و برای یاری نمودنش مهیا باشند. این بطوطه تمثیلی را بیان می دارد که مردم در شهر حله مسجدی به نام صاحب الزمان است، مردم هنگامی که نماز مغرب را می خواندند، اسبی را می آراستند و با شمشیر بیان می داشتند العجل العجل العجل. یا صاحب الزمان ما آماده ایم. البته آنهایی که خروار خروار برای سیدالشهدا نامه نوشته اند و در ذیل نامه نگاشته اند العجل العجل العجل، شما را یاد چه چیزی می اندازد؟ آیا این همان مهدی بیا نیست؟ العجل العجل العجل صدق کلام زمانی رخ می دهد که در حال رابطه باشید. اگر رابطه اتفاق افتاده بود غیبت ۱۱۸۰ سال طول نمی کشید. العجل العجل العجلی که زیر نامه کوفیان بود باعث شد که حضرت اباعبدالله الحسین (علیه السلام) به کربلا کشیده شود و غریبانه شهید باشد و کاروان اسراء غریبانه به شام رفتند.

منتظر ظهور نشوید، ظهور باید برای خودمان محقق بشود

حضرت امیر المومنین علی علیه السلام: مرد جنگجو همیشه بیدار و هوشیار است، هر کس از دشمن خود غفلت کند دشمن از او غفلت نخواهد کرد، رابطه گاهی امری فردی است یا جمعی کسی که اکنون در رابطه است برای او فرقی نمی کند که ظهور اکنون باشد یا فردا باشد، آنچه معلوم است کسی که در رابطه با امام عصر به معنای حقیقی باشد هم اکنون در خیمه امام زمان است. برای برخی از مردم ظهور اتفاق افتاده است، برای برخی ظهور فردا و ماه آینده رخ می دهد، ظهور برای خودمان باید اتفاق بیافتد، کسی که در حال رابطه به حقیقت باشد برای او فرقی نمی کند که امام اکنون ظهور کند یا بیست و پنج سال دیگر ظهور کند.

انتهای پیام/